



در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



■ بامسؤولیت سردییر

فرهنگ عمومی یک مفهوم تعریف شده است، یک جامعه چگونه شادمانی می کند، چگونه به عزا می نشیند، چگونه اعتراض می کند و حتی چگونه بد و بیراه می گوید، اینها بخشی از شاخص های فرهنگ عمومی است. بخش دیگر فرهنگ عمومی عاداتی یک جامعه است، یک جامعه ممکن است عاداتی مختلفی داشته باشد، عادت های خوب یا بد، مثبت یا منفی، مثلاً بخشی از شهروندان در هنگام سبز شدن چراغ قرمز بدون دلیل، بوق می زنند و یا برخی دیگر بیش از حد تعارف می کنند و یا دهها خلق و خوی دیگر که خود بهتر می دانید. در این میان یکی از خلق و خوهای که به دلایل متعددی در میان ایرانیان جای گرفته است فرهنگ ناسپاسی است، ما مردمی هستیم که برای نقد و متلک گفتن و یا مسایلی از این دست بسیار پای کاریم اما وقتی وقت قدرانی و سپاسگزاری است کمتر حس و حالی برای مان می ماند، گاه اگر از کسی یا پدیده ای قدرانی می کنیم هم به سرعت رنگ تملق به خود می گیرد و داستانی متفاوت رقم می خورد. برای نمونه با تلاش و عزم عمومی مسوولان شهری گرگان، تیم بسکتبال شهرداری فاتح رقابتها شد. در میان شای تماشاچیان، بازیکنان و مربیان همواره دیده ایم بخش های دیگری هم تلاش کرده و می کنند اما یا دیده نمی شوند یا کمتر مورد توجهند و نیروی انتظامی یکی از آن بخش هاست. زحمتکشانی که همه جا هستند و البته هیچ جایگاهی هم برای آنها نیست جز تلاش برای حفظ امنیت و آرامش شهروندان. آنها وقتی جشن و شالی است باید در عرصه باشند و وقتی درگیری و دعوايي هست باز باید در میانه میدان بمانند و هنگامی که شهروندان در خواب آرامشند آنها باید بیدار باشند و یا... به هر حال آنها همواره به اقتضای وظیفه برای آرامش و آسایش ما می کوشند حتی اگر به بازی بسکتبال علاقه ای نداشته باشند و یا هیچگاه به تماشای آن ننشسته باشند اما برای حفظ آرامش و امنیت به سالن می آیند و ساعتها می ایستند تا همه چیز به خوبی به پایان برسد. قدرانی و سپاسگزاری از تلاش های بی منت آنها، شاید بر خلاف روشنفکری همیشه معترض ایرانی باشد اما وظیفه ای است اخلاقی و انسانی. قدرانی را هم بیاموزیم.

خشکسالی گنبد کاووس را
به چالش کشید



2

سند پدافند غیرعامل نیازمند
بازنگری است

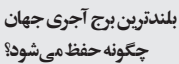


۲

رقص اسب‌های ترکمن
در صوفیان



1



ادبیات

کودک و نوجوان



« ۵-۴ »



اوتیسم و ریشه های تکاملی آن

در انسان

« ۳ »

قهرمانی گرگان



در یک نبرد نفس گیر و پرهیجان، شهرداری گرگان با پیروزی ۹۸ بر ۹۵ مقابل طبیعت اسلامشهر، جام قهرمانی لیگ برتر بسکتبال را در سالن مملو از هوادار امام خمینی (ره) بالای سر برد. به گزارش ایرنا، این سومین برد پیاپی گرگان در فینال بود که با حمایت بی‌امان هواداران و نمایش درخشان بازیکنان، عنوان قهرمانی را به خانه بازگرداند. با ۱۲۰ دقیقه تأخیر به دلیل ازدحام بی‌سابقه هواداران در سالن امام خمینی گرگان، مسابقه‌ای بیش از سه ساعت به طول انجامید که قلب بسکتبال ایران را تپاند. گرگانی‌ها که پیش‌تر در دو بازی خارج از خانه طبیعت را مغلوب کرده بودند، در این دیدار خانگی با انگیزه‌ای آتشین، قهرمان پارسال را به زانو درآوردند و ثابت کردند که هنوز بی‌رقیب هستند. هواداران گرگانی برای رقم زدن حماسه‌ای دیگر، از ساعات ابتدایی ظهر به سمت مجموعه ورزشی آزادی روانه شدند. سالن اصلی با گنجایش ۵ هزار نفر از ساعت ۱۳:۳۰ تکمیل شد و ازدحام چنان بالا گرفت که بسیاری از هواداران در لابه‌لای نرده‌ها و حتی پشت خط‌های کناری زمین مستقر شدند. تلاش برای انتقال جمعیت اضافه به سالن دوم با وجود پیش‌بینی یک تلویزیون برای پخش بازی، بی‌نتیجه ماند؛ چرا که همه می‌خواستند در متن افاق باشند. باشگاه طبیعت اسلامشهر با

وجود در اختیار داشتن ۱۰ درصد جایگاه تماشاگران، به دلیل حضور پر شمار هواداران گرگانی، از انجام بازی سر باز زد و خواهان تخلیه جایگاه خود شد. با پا درمیانی مسئولان و پس از فراز و نشیب فراوان، بالاخره بازی با دو ساعت تأخیر و سوت صادق قنبری آغاز شد. گرگان در بازی دوم فینال، طبیعت را در سالن آزادی تهران با نتیجه خیره‌کننده ۱۰۰ بر ۷۳ درهم کوبیده بود. این پیروزی قاطع، نوید یک پایان خوش را برای هواداران داد و در میان فریادهای پرشور تماشاگران، گرگان با تکیه بر استراتژی هوشمندانه کادرفنی و قلب‌های تپنده بازیکنان، جام را به وترین افتخاراتش افزود. از ظهر روز دوشنبه، موج هواداران پرشور گرگانی به سوی مجموعه ورزشی آزادی

خشکسالی گنبد کاووس را به چالش کشید

خواهند کرد. مدیر جهاد کشاورزی گنبدکاووس درباره کشت جو نیز گزارش داد: با وجود سهمیه ۲۱ هزار و ۷۰۰ هکتاری، کشاورزان ۲۲ هزار و ۴۶۵ هکتار کشت کردند اما به دلیل کم‌بارشی، تنها ۱۴ هزار هکتار سبز شد. آرنخی افزود: از این میزان، فقط پنج هزار و ۳۰۲ هکتار با پیش‌بینی تولید ۶ هزار تن قابل برداشت است. وی با اشاره به زیرساخت‌های کشاورزی گنبدکاووس که شامل پنج هزار و ۸۳۰ دستگاه تراکتور و ۵۰۰ دستگاه کمباین است، گفت: مشکلی در تأمین سوخت این ادوات وجود ندارد و معاینه فنی کمباین‌ها در حال انجام است. طیبه گلچین، رئیس بانک کشاورزی شعبه مرکزی گنبدکاووس هم در این جلسه از شناسایی ۹۰ درصد اراضی خسارت‌دیده توسط کارشناسان بانک خبر داد و گفت: به‌زودی برآورد خسارت‌ها به صندوق بیمه محصولات کشاورزی ارسال می‌شود و پس از بازگذاری اطلاعات، پرداخت خسارات به کشاورزان آغاز خواهد شد. سرپرست فرمانداری گنبدکاووس هم با ابراز همدردی با کشاورزان خسارت‌دیده، بر ضرورت همکاری دستگاه‌های متولی تأکید کرد و گفت: کشاورزان به دلیل خشکسالی دچار خسارت شده‌اند و نباید در فرایند برداشت، تحویل محصول یا پرداخت بها با مشکلات بیشتری مواجه شوند. سلیمان هاشمی از بانک کشاورزی خواست ارزیابی سریع اراضی بیمه‌شده را انجام دهد و افزود: مراکز خرید باید به دیال‌زراتور مجهز شوند تا قطعی برق، خرید محصول را مختل نکند.



کیلوگرم خبر داد و گفت: این مراکز، همراه با سیلوی اداره غله، از ۲۵ اردیبهشت آماده خرید محصول خواهند بود. آرنخی درباره کشت دانه روغنی کلزا توضیح داد: سهمیه ابلای ۱۰ هزار و ۵۰۰ هکتار بود، اما به دلیل تأخیر در پرداخت بهای محصول در سال‌های گذشته، کشاورزان

گنبدکاووس، یکی از قطب‌های برتر کشاورزی استان گلستان با بیش از ۱۶۱ هزار هکتار اراضی زراعی و باغی همواره نقشی کلیدی در تأمین محصولات استراتژیک کشور ایفا کرده اما خشکسالی و پراکندگی نامناسب بارش‌ها در سال آبی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ این منطقه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. به گزارش ایرنا، کم‌آبی، تولید گندم، کلزا و جو را به شدت تحت تأثیر قرار داده و کشاورزان این شهرستان نیمه‌بیابانی را با خسارات قابل توجهی روبه‌رو کرد با این حال، تلاش‌های هماهنگ جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی و فرمانداری گنبدکاووس برای مدیریت برداشت محصولات و جبران خسارات، نویدبخش حمایت از کشاورزان در این شرایط دشوار است. مدیر جهاد کشاورزی گنبدکاووس در جلسه شورای کشاورزی اعلام کرد که از ۱۳۰ هزار هکتار گندم کشت‌شده در سال زراعی جاری، ۴۵ هزار هکتار به دلیل کم‌بارشی و توزیع نامناسب باران دچار خسارت شده است. عبدالملک آرنخی افزود: هم‌اکنون ۸۶ هزار و ۸۳ هکتار از مزارع گندم قابل برداشت است که پیش‌بینی می‌شود ۱۲۵ تا ۱۳۰ هزار تن محصول تولید کند. آرنخی با مقایسه این رقم با تولید ۳۰۰ هزار تنی سال گذشته (به دلیل ترسالی) و متوسط تولید ۲۲۰ هزار تنی گنبدکاووس، تأکید کرد: امسال تولید گندم ۹۰ هزار تن کاهش یافته است. وی همچنین از آغاز برداشت گندم در اواخر اردیبهشت و فعالیت ۱۴ مرکز خرید با قیمت تضمینی ۲۰۵ هزار ریال به ازای هر

سند پدافند غیر عامل نیازمند بازنگری است

گفت: فرمانداران با شناخت دقیق ظرفیت‌ها و چالش‌های محلی، می‌توانند مسیر توسعه‌محور را هموار کنند. مدیرکل پدافند غیرعامل گلستان با اشاره به فعالیت کارگروه‌های تخصصی این حوزه، خاطرنشان کرد: این کارگروه‌ها با هدایت برنامه‌های توسعه استان به سمت الزامات پدافندی و همسویی با سیاست‌های دولت، نقش نظارتی و برنامه‌ریزی خود را به‌طور مؤثر ایفا می‌کنند. وی همچنین بر اهمیت اجرای دقیق دستورالعمل‌های سازمان پدافند غیرعامل تأکید کرد و گفت: اجرای به‌موقع این دستورالعمل‌ها، امکان پیش‌بینی و مدیریت تهدیدات را فراهم می‌کند. در این نشست، فرماندار گالیکش، با ابراز تأسف از ناآشنایی برخی مدیران با اهمیت پدافند غیرعامل، بر ضرورت آموزش و تبیین جایگاه این حوزه تأکید کرد. محمد ابراهیمی اظهار کرد: برنامه‌ریزی برای آموزش مدیران و ترویج فرهنگ پدافند غیرعامل می‌تواند به شناخت بهتر اولویت‌های این حوزه در شرق استان کمک کند و سیاست‌گذاری‌های محلی را تقویت نماید.



مدیرکل پدافند غیرعامل گلستان تأکید کرد: سند پدافند غیرعامل استان به دلیل تحولات زیست‌محیطی، تهدیدات نوظهور و تغییرات اقلیمی نیازمند بازنگری فوری است. به گزارش روابط عمومی، سیدعلیرضا حسینی در نشست با فرماندار گالیکش بیان کرد: با توجه به پیچیدگی‌های زندگی مدرن، تنوع تهدیدات و تأثیرات تغییرات اقلیمی، به‌روزرسانی سند پدافند غیرعامل استان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. وی افزود: این بازنگری نه‌تنها به شناسایی تهدیدات جدید کمک می‌کند، بلکه با تقویت توانمندی‌ها و رفع نقاط ضعف، بستر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی استان را فراهم می‌سازد. حسینی با اشاره به آغاز اجرای برنامه توسعه هفتم در کشور، بر لزوم انطباق الزامات پدافند غیرعامل با این برنامه تأکید کرد و گفت: نفوذ مؤثر الزامات پدافندی در برنامه‌ریزی‌های کلان، گامی عقلایی برای تضمین امنیت پایدار کشور است. وی همچنین نقش فرمانداران را در شناسایی اولویت‌های پدافندی شهرستان‌ها کلیدی دانست و

رقص اسب‌های ترکمن در صوفیان

برتر را انتخاب می‌کنند. منصوری افزود: به نغرات اول تا سوم هر کلاس جوانیز نفیسی اهدا خواهد شد که انگیزه‌ای برای پرورش دهندگان و مالکان اسب‌هاست. اسب ترکمن، با بدنی کشیده و لاغر، یکی از زیباترین نژادهای اسب در جهان است که به‌ویژه در ترکمن‌صحرای گلستان پرورش می‌یابد. این نژاد که صادرات آن برای حفظ اصالت به خارج از کشور ممنوع است، شامل سه زیرتیره یموت، آخال‌تکه و گوگلان است. به گفته کارشناسان، حدود سه هزار رأس اسب اصیل ترکمن در کنار هفت هزار رأس نژاد دوحون و هزار و ۱۰۰ رأس نژاد ترورید در گلستان نگهداری می‌شود. پرورش اسب از دیرباز در میان ترکمن‌های گلستان، به‌ویژه در مناطقی مانند کالاله، گنبدکاووس، مرو، تپه، آق‌قلا و بندرترکمن، جایگاهی ویژه داشته است. اسب ترکمن نه‌تنها در ورزش‌های سوارکاری، بلکه در زندگی روزمره و فرهنگ این قوم نقشی کلیدی دارد و مالکان این اسب‌ها، که گاهی مبالغ هنگفتی برای نگهداری آن‌ها هزینه می‌کنند، در کورس‌های بهاره، تابستانه، پاییزه و زمستانه سراسر کشور حضوری فعال دارند. روستای صوفیان، به دلیل پتانسیل بالای خود در پرورش اسب، به‌عنوان پایتخت اسب اصیل ترکمن شناخته می‌شود و میزبانی این جشنواره، جایگاه این منطقه را بیش‌ازپیش تثبیت کرده است.



منحصربه‌فرد اسب‌های ترکمن در هر مرحله از زندگی‌شان فراهم می‌کند. مدیر جهاد کشاورزی کالاله گفت: داوری این دوره، همانند سال گذشته، بر عهده داورانی از ترکمنستان خواهد بود که با دقت و تخصص، اسب‌های

نریان، اسب‌های دوساله (مادیان و نریان)، اسب‌های سه تا شش ساله (مادیان و نریان)، مادیان‌های شش سال به بالا، سیلیمی‌های شش سال به بالا، به رقابت می‌پردازند که این دسته‌بندی‌ها فرصتی برای نمایش تنوع سنی و ویژگی‌های

روستای صوفیان کالاله به‌عنوان پایتخت اسب اصیل ترکمن، آماده میزبانی از نوزدهمین جشنواره ملی زیبایی اسب ترکمن است و این رویداد فرهنگی-ورزشی امروز با حضور ۱۰۰ اسب از ۱۱ استان، بار دیگر شکوه این نژاد اصیل ایرانی را به نمایش خواهد گذاشت. به گزارش روابط عمومی، مدیر جهاد کشاورزی کالاله و دبیر جشنواره، نوزدهمین دوره این رویداد گفت: این جشنواره با شرکت ۱۰۰ اسب اصیل ترکمن از استان‌های گلستان، خراسان شمالی، رضوی و جنوبی، کرمان، چهارمحال و بختیاری، قزوین، البرز، تهران، گیلان و سمنان برگزار می‌شود. علی منصوری بیان کرد: این جشنواره که در مراتع سرسبز صوفیان کالاله برپا خواهد شد، بستری برای رقابت سالم و نمایش ویژگی‌های منحصربه‌فرد اسب‌های ترکمن فراهم می‌کند. وی ادامه داد: این رویداد سالانه با هدف معرفی زیبایی و اصالت اسب ترکمن، ایجاد نشاط اجتماعی، تقویت اقتصاد روستاها، توسعه صنعت گردشگری و ایجاد اشتغال برگزار می‌شود و یک حرکت فرهنگی برای حفظ میراث ترکمن و ترویج ظرفیت‌های گردشگری گلستان است. منصوری تأکید کرد: در این جشنواره اسب‌های شرکت‌کننده در ۱۰ کلاس مختلف شامل کره‌های پای مادر (مادیان و نریان)، اسب‌های یک‌ساله (مادیان و

فرهنگی قابل توجهی در مورد شیوع طیف اوتیسم وجود دارد و وجود چنین مطالعاتی لازم و ضروری است تا عوامل محیطی ایجادکننده آن مشخص شود. به علاوه بالا رفتن آمار ثبت شده از این اختلال نشان دهنده حالت کلاسیک از وراثت ژنتیکی آن است. در طول تاریخ حیات بشر تکامل مغز نقطه عطف مهمی در زمینه به دست آوردن موفقیت تولیدمثلی بوده است و اختلالاتی نظیر اوتیسم همواره تحت تأثیر فشار منفی انتخاب بوده‌اند. اختلالاتی نظیر اوتیسم که بسیار شایع هستند و نرخ جهش بالایی دارند احتمالاً به این دلیل باقی مانده‌اند که ژن‌های ایجادکننده آن، مزیت زیادی در محیط‌اجدای فراهم می‌کرده‌اند. برای دانستن فشار تکاملی چنین سندرمی لازم است به ریشه و منشأ آن در تاریخ حیات توجه کنیم. سود سازگاری در اوتیسم چه بوده‌است؟ برخی فنوتیپ‌های مربوط به اوتیسم به گونه‌ای است که افراد تمایل دارند عمل تکراری و قابل پیش‌بینی را در زندگی و فعالیت‌های خود داشته باشند. به همین دلیل این افراد دچار تثبیت مکانیکی در طبیعت می‌شوند. تست‌های شناختی روی افراد اوتیستیک نشان داد آن‌ها توجه زیادی به جزئیات دارند و افراد اوتیسم و خانواده‌های آن‌ها عملکرد بهتری در آزمون اشکال جاسازی شده، نشان دادند و جالب آنکه افراد اوتیسم معمولاً دارای افراد خانواده‌ای هستند که در زمینه‌های علمی و مهندسی فعالیت می‌کنند. این امر حتی در میان پدربزرگ و مادربزرگ‌های آن‌ها صادق است. طی تحقیقات نشان داده شده ۴/۲۴ درصد از افراد اوتیسم دارای پدر یا پدربزرگ‌های مهندس بوده‌اند درحالی‌که این میزان در افراد کنترل فقط ۱۵ درصد بود. از نظر تکاملی مزیت وجود چنین ویژگی‌های اوتیستیکی زیاد بوده‌است. سبک زندگی شکارچی جمع آوری کننده، برای زمان طولانی بر زندگی *Homo sapiens* (انسان خردمند)، بر روی زمین حاکم بوده‌است. وجود الگوهای قابل پیش‌بینی از جمله، جابه‌جایی‌ها به‌منظور دانستن این‌که در طول روز چه مکان‌هایی برای رفتن و جمع‌آوری غذا امنیت دارد و یا کجا می‌توان آب به دست آورد، مفید بوده‌است. خاص بودن خصوصیات طیف اختلال اوتیسم، مانند درک بهتر از سیستم‌های مکانیکی و توجه بیش‌تر به جزئیات در آن‌ها بسیار مهم بوده‌است. انسان‌های گذشته ابزار می‌ساختند و از آن استفاده می‌کردند و شکی وجود ندارد که مهندسی ابزار و مسکن در اجداد ما، کلید بقا و موفقیت بوده‌است. تشخیص اوتیسم در دو دهه اخیر بالا رفته‌است و علت آنکه آمار اوتیسم در حال افزایش

«
اوتیسم و ریشه های
تکاملی آن در انسان



رویا حمیدی

اوتیسم، به عنوان اختلال تکوینی فراگیری شناخته می‌شود. اختلال اوتیسم شرایطی است که در آن فرد از زمان تولد یا پیش از بلوغ، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و دارای سه خصوصیت اساسی است: اختلال در تعاملات اجتماعی، اختلالات زبانی و رفتارهای کلیشه‌ای و تکراری. افراد مبتلا به اوتیسم به شدت خود را از تعاملات اجتماعی دور می‌کنند و وارد دنیای خصوصی خود می‌شوند، علائق خاصی را به نمایش می‌گذارند و فعالیت‌های تکراری انجام می‌دهند. اوتیسم و حالات وابسته به آن ویژگی‌هایی دارند که در آن فرد توانایی برقراری ارتباط با دیگران را ندارد، از یادگیری و رشد مهارت‌های ارتباطی باز می‌ماند و در درک اطلاعات سمبلیک رایج، کاهش توانایی از خود نشان می‌دهد، علاوه بر این از نظر زبانی ناتوان است. اوتیسم یک اختلال چندوجهی است اما علت ریشه‌ای آن هنوز مشخص نشده است. ضعف مطالعات میان

مکرر دشت‌های آفریقا شده‌است و به‌این ترتیب بسیاری از منابع غذایی اجلاد جست‌وجوگر ما از بین رفته‌است. این شرایط محیطی زیستگاهی ما منابع کم ایجاد کرده و احتمالاً باعث شده گروه‌های اجدادی منحل شوند. با استناد بر کمبود مواد غذایی و الگوی پراکنش آن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بسیاری از گونه‌های پیش اجتماعی از جمله انسان، اختلالات تاریخی را در اجتماع خود تجربه کرده‌اند که اثر آن در ژنوم آن‌ها ماندگار شده‌است. اگر اوتیسم تکامل یافته‌است، این اتفاق در میان انسان‌های عصب طبیعی رخ داده؟ یا در میان گروهی از افراد ایزوله شده؟ اوتیسم حاصل یک دخول ژنتیکی به انسان است، یعنی پیش از آنکه در جنس ما فقط یک گونه وجود داشته باشد. شاید ژن‌های اوتیسم مستقیماً در دودمان ما تکامل نیافته‌اند اما در یک زیرگونه انفرادی وجود داشته‌اند که بعدتر با یک ادغام ژنتیکی وارد خوانه ژنی ما شده‌اند. زیر جمعیت‌های دارای افراد نسبتاً انفرادی می‌توانسته‌اند ژن‌های خود را پس از مهاجرت و مقدار مشخصی زادآوری وارد خوانه ژنتیکی ما کرده باشند. چنین زیر جمعیت‌های انفرادی می‌توانسته‌اند در مناطق جغرافیایی مختلف از نظر شرایط اکولوژیک آفریقا در طول پلیو-پلیوستوسن، به وجود آمده باشند. علاوه بر این اوتیسم شیوع یکسانی در میان همه گروه‌های قومی دارد که این امر این فرضیه را مطرح می‌کند که اوتیسم پیش از خروج اولین انسان از آفریقا به وجود آمده‌است. اگر همولوگ اوتیسم در گونه‌های نزدیک به انسان وجود داشته باشد می‌توان به‌احتیاز تکنیک‌های مولکولی استفاده کرد تا ژن‌های مسئول اوتیسم را مشخص کنیم. با توجه به اثر تکاملی اوتیسم در ژنتیک رفتار، اوتیسم می‌تواند اطلاعات بیش‌تری در مورد استراتژی‌های حیات اجدادمان به ما بدهد. درصد نفوذ اوتیسم آن‌قدر بالاست که می‌توان پیشنهاد کرد این فنوتیپ توسط انتخاب طبیعی برگزیده شده‌است اما از سویی آن‌قدر کم است که نمی‌توان آن را به گرایش‌های اجتماعی ارجحیت داد. شاید شیوع اوتیسم در انسان مدرن مطالب عمیقی را برای ما بازگو کند. به‌عنوان مثال در مورد فرکانس تنهایی اجباری در زمان‌های اجدادی، که به این ترتیب اوتیسم یک ارزش سازش نسبت به غریزه اجتماعی به حساب می‌آمده و در نتیجه اوتیسم ارزش اکولوژیک داشته‌است و به همین دلیل تاکنون باقی مانده‌است. اگر اوتیسم در گذشته موفق بوده، احتمالاً یک بیماری محسوب نمی‌شده پس به‌جای آنکه تصور کنیم اوتیسم موجب خجالت است گاهی باید فکر کرد که موجب فردیت، خودمختاری و استقلال است.

است به این دلیل است که ادبیات پزشکی تغییر کرده و نگرانی عمومی و روش تشخیص متفاوت شده‌است. کودکان اوتیسمتیک امروزی از مثال‌های رفتارهای اجتماعی والدین خود چشم‌پوشی می‌کنند به این دلیل که این رفتارها از نظر آن‌ها بی‌معنی است. درحالی‌که در گذشته اجدادی، آن‌ها ناچار بودند از رفتارهای شکارچی‌گری و جمع‌آوری‌کنندگی والدین خود تقلید کنند، وگرنه گرسنه می‌مانند. امروزه این کودکان قادر به کاوش نیستند و والدین خود را در حال جست‌وجو نمی‌بینند، علاوه بر این غذای خود را بدون نیاز به هیچ تلاشی به دست می‌آورند. به‌این ترتیب رفتار و علائق آن‌ها به سمت سکوت و رفتارهای غیراجتماعی پیشروی می‌کند مانند انباشتن بلوک‌ها روی هم، ردیف کردن اسباب‌بازی‌ها، بازی با آب، تعقیب جاروبرقی و جمع‌آوری در بطری. این نوع استفاده نادرست از وسایل که به‌صورت تمایل ذاتی در این افراد مشاهده می‌شود در رفتارشناسی انسان تحت عنوان "خلأ فعالیت" شناخته می‌شود. علائق افراد اوتیسم سبب می‌شود استعدادها و صلاحیت آن‌ها به‌صورت جزایر پراکنده باشد، باوجود کمبودهای زیاد آن‌ها دارای مهارت‌های خاص هستند که عموماً به این توانایی‌ها "خرده‌مهارت" گفته می‌شود. این مهارت‌ها مانند استعداد عجیب در نقاشی، موسیقی، حافظه قوی یا حل پازل است بدل می‌شود مانند توانایی زود هنگام خواندن و نوشتن یا **Hyperlexia**. یافتن الگوها، محاسبات تقویمی و ریاضی. برخی از این توانایی‌ها از آنجا در افراد اوتیسم به وجود می‌آید که قادرند به‌خوبی روی یک مسئله تمرکز کنند و به روش سیستمی می‌آموزند. استنباط ذهن دیگران، احتمالاً اولین بار در طول تکامل پرمات‌هایی اتفاق افتاده است که تحت‌فشار زیادی از محیط اجتماعی قرارگرفته بودند. **Ape** ها یا نخستین‌های بدون دم نسبت به میمون‌ها در این زمینه توانایی بالاتری دارند، چرا که احتمالاً محیط اجتماعی برای آن‌ها اهمیت بیش‌تری داشته‌است. در میان **Ape** ها برخلاف اورانگوتان، ژببون، گوریل و شامپانزه به‌اندازه انسان اجتماعی هستند. به‌همین دلیل به‌نظر می‌رسد با کوچک شدن اندازه گروه در میان اورانگوتان‌ها توانایی اجتماعی آن‌ها کاهش‌یافته‌است. پرمات‌شناسان، اعتقاد دارند اورانگوتان‌ها سبک زندگی انفرادی دارند زیرا مناطق زندگی آن‌ها یعنی جزایر بورنئو و سوماترا از نظر غذایی فقیر است و نمی‌تواند گروه بزرگی از **Ape** ها را تأمین کند. از طرفی آب‌وهوای خشن و غیرقابل پیش‌بینی در دوره‌ای از تکامل انسان وجود داشته‌است. در دوره‌هایی مانند پلیوستوسن و پلیوسن، یخبندان سبب خشکی

آگهی مناقصه عمومی شماره ۳۵/۱۴۰۴



شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور



شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور

۱- مناقصه گزافه: شرکت پشتیبانی امور دام استان گلستان به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۱۷۳۶ و شماره اقتصادی ۱۱۱۱۳۷۳۷۱۱۱ به نشانی: گرگان- کیلومتر اول جاده گرگان به گنبد- شهرک شهید بهشتی

۲- موضوع مناقصه:

مناقصه الف: خدمات و پذیرایی استان گلستان از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۰۱۰۱۴۰۰۰۸۶

۳- نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: اصل فیش واریزی وجه نقد به شماره حساب شبا ۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۸۰۶۲۷۰۵۶۴ IR با کد شناسه شماره ۹۶۲۳۰۳۹۷۸۱..... خزانه بانک مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک های مجاز یا ضمانت نامه بانکی به نام مناقصه گزار (کلیه بانکها به جز بانک سرمایه و بان ایران زمین) و یا اوراق مشارکت بی نام تضمین شده بانک ها و دولت با قابلیت باز خرید قبل از سر رسید (موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت) را ضمن درج در سامانه ستاد در پاکت الف لاک و مهر شده تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ مناقصه گزار تسلیم گردد.

۴- مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بملغ ۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال میباشد

پیشنهاد و گشایش پیشنهادهای مالی:

۱-۵- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۷ روز پنج شنبه
مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

۲-۵- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد: تا ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

۳-۵- مهلت تحویل پاکت الف محتوی اصلی تضمین: تا ساعت ۱۴:۳۰ روز
دو شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

۴-۵- زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
واقع در نشانی مناقصه گزار

[illegible]

۲- فیش / رسید پرداخت مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال خرید اسناد در مهلت ارایه پیشنهاد (ردیف ۵-۳ آگهی) به همراه بابت الف به دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت تحویل گردد.

۸- مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ می باشد.

۹- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می باشد.

روابط عمومی - شناسه آگهی ۱۹۲۶۶۷۱



گرگان میزبان رقابت های قهرمانی
شطرنج جوانان کشور شد

مدیرکل ورزش و جوانان گلستان از آغاز مسابقات قهرمانی شطرنج جوانان زیر ۲۰ سال کشور به میزبانی گرگان خبر داد و گفت: این رقابت‌ها با حضور ۹۲ شطرنج‌باز از ۲۱ استان، تا ۲۰ اردیبهشت ادامه دارد. به گزارش روابط عمومی، قاسمعلی برزیمینی اظهار کرد: مسابقات قهرمانی شطرنج جوانان کشور در رده سنی زیر ۲۰ سال از روز ۱۶ اردیبهشت در گرگان آغاز شده و تا ۲۰ اردیبهشت ادامه خواهد داشت. این رقابت‌ها در دو بخش بانوان و آقایان برگزار می‌شود. وی افزود: این مسابقات به روش سوئیسی و در ۹ دور برگزار می‌شود و ۹۲ شطرنج‌باز برتر از ۲۱ استان کشور در مدت هفت روز با یکدیگر رقابت می‌کنند. برزیمینی گفت: در پایان این رویداد مهم، نفرات برتر به عنوان نمایندگان تیم ملی ایران برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا انتخاب خواهند شد. وی در پایان گفت: میزبانی این مسابقات در گرگان، فرصت مناسبی برای ارتقا سبک‌های ورزش استان در سطح ملی است و از تمامی دست‌اندرکاران برگزاری این رویداد ورزشی، قدرانی می‌شود.

یادداشت دبیر صفحه

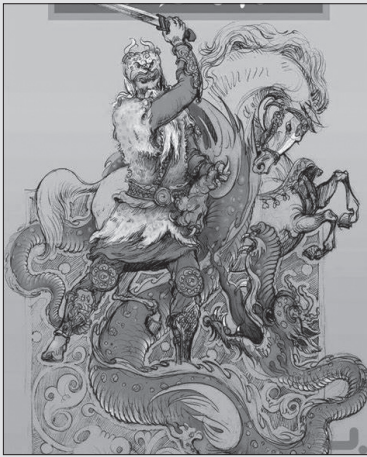
سلام به زنگ دیکته؟! چه خبر؟



آزاده حسینی

چه خبر از نمره های (دیکته) املاي شما در مدرسه؟ هنگام ویرایش متن های گلشن مهر گاهی اشتباهات تکراری و مشابه می بینم. مثلاً کلمه «عصبانیت» را به صورت «اعصبانیت» می نویسد. کلمه «بزار» را تقریباً بیشتر شما «بزار» می نویسد. در حالی که «بزار» یعنی زار بزن، زاری کن. و بذار= بگذار، یعنی گذاشتن، نهادن و اجازه خواستن. کلمه «اسرار» به معنی سر و راز، را با کلمه اصرار اشتباه می گیرید. البته شما نویسنده های خوب و دانایید. کتاب می خوانید. «کلمه» را می شناسید و «مفاهیم» را درک می کنید. انتظاران از شما دوستان خوب روزنامه این است که با دقت بیشتری متن بفرستید. هر گلشن مهری سفیر کلمه و مطالعه در مدرسه است. کتاب بخوانید و کتاب های خوب را به یکدیگر معرفی کنید و به معنی، تلفظ و نوشتن درست کلمات بیشتر دقت کنید.

شاهنامه بخوانیم



طلوع خورشید، لحظه و منظره زیبایی است. گاهی مردم برای تماشای طلوع خورشید در فصلی خاص، سفری برنامه ریزی می کنند. به وصف طلوع در شعر شاعران توجه کنید و از آن بیاموزید و شما هم با بیان خود از طلوع خورشید بنویسید. به بهانه اردیبهشت، ماه سعدی و فردوسی و خیام؛ نگاهی بیاندازیم به شیوه وصف فردوسی از طلوع: «چو خورشید بر چرخ بنمود تاج زمین شد به کردار تابنده عاج» «تو گفستی که بر گنبد لاژورد بگسترد خورشید یاقوت زرد» «چو خورشید زد عکس بر آسمان پراگند بر لاژورد ارغوان» «چو خورشید تابان برآمد ز کوه برفتند گردان همه همگروه» «چو خورشید تابان ز بالا بگشت خروش تبیره برآمد ز دشت



فاطمه محمدنژاد

روزی روزگاری پیرزنی داشت دعا میکرد تا شاید پسرش که ازدواج کرده بود یک خانه برای خودش و همسرش بخرد، که ناگهان از در خانه صدایی بلند می شود و عرووس میترسد! ولی مادر شوهرش در را باز میکند. یک مرد نیمه جان جلوی در افتاده بود و به سختی میگوید: «یک تیکه نون، یک جا برای موندن!» مادر شوهر با عصبانیت میگوید: «جا برای گداهان نداریم! گمشو!» مرد با نفسهای بریده میگوید: «اما اگه توی این سرما بیرون بمونم می میرم». عروس دلش می سوزد و میگوید: «لااقل بنارید چند دقیقه بیاد تو تا گرم بشه». شوهرش با سروصدای آنها بیدار میشود و بعد از شنیدن ماجرا میگوید: «دور از انسانیته که بهش کمک نکنیم و بعد مرد رو میاره داخل و غذا و جای گرم بهش میده». فردا صبح اخبار اعلام میکند که مدیرعامل شرکت خودروسازی بزرگ شهر بعد از تصادف ماشینش! چهار روز در جنگل گم شده و احتمالاً مرده. خانواده در شوک بودند که همان مرد زنگ به شرکت میزند و چند دقیقه ی بعد چند تا مرد کت و شلوازی دنبالش می آیند. مرد لبخند میزند. چک ده میلیاردی جلوی زوج می گذارد و میگوید: «اگر شما نبودید من الان زنده نبودم این هدیه ی ناچیز رو از من قبول کنید».

خرافات: نهال عشق



آتنا رادپور

نزدیک سالن آرایشگاه شدم امشب شادترین روز عمرمه بالاخره قراره بعد از چهارسال بدبختی امشب با محمد ازدواج کنم. به سالن رسیدم و بعد از چندساعت لباس هایم را پوشیدم. «الو سلام من جلوی سالنم». از پله ها که پایین اومدم گریه ی سیاهی را دیدم که به من زل زد یاد حرف ملوک خانم عمه ی پدرم افتادم که می گفت: «هیچ وقت تو چشمای گریه ی سیاه زل نزیند شومی و بدبختی میاره». سعی کردم ذهنمو دور کنم از این موضوع. حرف های عمه بابا توی گوشم بود که ملام تاکید می کرد: «اینقدر هم موضوع ازدواجت رو به دیگران نگو چشم بد کم نیستا». دستان مردانه و مهریونش دور کمرم حلقه شد تمام فکرهای بد به یکباره رفتند و جاشون رو دادند به بهترین حس دنیا؛ احساس و عشق و امنیت داشتم. «سلام محمد جانم خوبی؟» «بله عزیزم!» محمد با لحنی آرامبخش پرسید: «چرا اینقدر استرس داری؟» «نه چیزی نشده. کمی استرس طبیعیه حتما». موبایلش زنگ خورد. عکس آرش روی صفحه افتاد. موبایل رو ازش گرفتم. «الان جواب نده بنار برای فردا». درنا جان فقط اینو جواب میدم. آرش رفیق گرمابه و گلستان محمد بود. چند وقتی میشد ازش خبری نبود. محمد هم به خاطر شرایطی که داشتیم نتونسته بود، باهانش تماس بگیره. نمی دونم چرا حرف های عمه ملوک از ذهنم بیرون نمی رفت: «چشم بد کم نیستا». محمد دستشو جلوی چشمم تگون می داد. «درنا جان گوشو بد!» آرش ول کن نبود ملام زنگ می زد. «نه نه جواب نده لطفاً. ممکنه چشمش شور باشه چشممون

میزننا!» «این حرفا دیگه چیه درنا؟ خوب نگو دیگه چرا باید بگی اصلاً؟ درنا جان آرش از برادر به من نزدیک تر هیچ وقت بد منو نمی خواد! خاله زنک نبودی تو زیبای من! خودم چشمت نزنم اینقدر قشنگ شدی!» مشغول صحبت با آرش بود و همزمان ماشینو روشن می کرد که موقع خروج چشمم دوباره به گریه ی سیاه افتاد. ای والای عمه ملوک این چه حرفایی که ملام تو گوش ما می خونوی دل آشوبه گرفتم. «چییه عزیزم چرا اینقدر نگرانی؟!» «محمد امروز دوبار گریه ی سیاه دیدم همش نگرانم که اتفاق بدی بیفته!» محمد قهقهه می زد دستمو فشار داد. دستمو کشیدم. به بیرون خیره شدم. محمد چونه ام رو گرفت و گفت: «قهر نکن خوشگل من آخه حیف این لحظه نیست تلخش می کنی!» «خب چیکار کنم ملام حرفای عمه ملوک میاد تو ذهنم». کسی به شیشه ضربه می زد. پیر زنی بود که دستمال کاغذی می فروخت. محمد شیشه رو پایین داد و از جیب کتش چند تا تراول به پیرزن داد. اونم شروع کرد به دعا کردن از ته قلبش انگار دعا می کرد دعاهاش به قلبم آرامش داد. ترافیک بود. پیر زن گفت: «قدر همدیگه رو بدونید نهال عشق نیاز به مراقبت داره تا تنومند و سبز بشه» و در آخر هم با صدای دلنشینی به محمد گفت: «گل در بر و می در کف و معشوق به کام است/ سلطان جهانم به چنین روز غلام است». نگاهمون به هم گره خورد که محمد با ذوق فراوانی صدای موزیک رو زیاد کرد. داشتیم از ماشین پیاده می شدیم که سینی اسپندو آوردن جلومون. عاشق بوی اسپند بودم. محمد مقداری اسپند از سینی برداشت و دور سرم چرخوند و تو آتش منقل ریخت. زمزمه کرد: «خودم چشمت نزنم به موقع». منم همین کارو انجام دادم. تو ذهنم اومد که حتما در اسرع وقت یه مطالعه مفصل در مورد خرافه و آداب و سنت ها داشته باشم. بعضی وقت ها این دو تا رو بدجور با هم قاطی می کنم. «کجایی چرا همش تو هپروتی امروز؟! لبخند زدم و گفتم: «تو فکر نهال عشقمونم».

خرافات: فصل امتحانات



نیکا موسوی

فصل امتحانات شروع شده بود. اولین امتحان ما دیکته بود که خانم معلم بعد از امتحان سریع برگه های ما رو تصحیح کرد و به ما تحویل داد. لارا سیزده گرفته بود بعضی از بچه ها می گفتند: چون سیزده نحس هست تو حتما بقیه امتحاناتت رو نمره پایین میگیری. لارا خیلی ناراحت شده بود و دائم در فکر بود. من به لارا گفتم: «لارا به این حرف ها گوش نده تو اگه تلاشت رو بیشتر کنی صددرصد نمره های بالائری در امتحانات بعدی میگیری!» ولی لارا که معلوم بود اصلاً به حرف های من گوش نکرده؛ گفت: «فهمیدم امروز وقتی می خواستم که به مدرسه بیایم مادرم عطسه کرد و به من گفت چند لحظه صبر کن ولی من چون عجله داشتم به حرفش گوش ندادم. حتما برای همین است که نمره سیزده گرفتم». من گفتم: «آهان حالا مشکلت را پیدا کردم خودت هم خرافاتی هستی. اگر خرافاتی نبودی الان این حرف های الکی را باور نمی کردی و به حرف من هم گوش میکردی». بعد از اینکه این حرف را زدم، بهار که داشت حرفهای ما را گوش میداد، پرسید: «خرافات یعنی چه؟» گفتم: «خرافات افسانه هستند، که بعضی از مردم خرافات را باور دارند مثلاً وقتی برای تو اتفاق بدی می افتد مادر اسپند دود می کند؛ البته شاید بعضی از این خرافات ریشه ی علمی داشته باشد ولی به هر حال بیشتر آنها هم درست نیست. مثلاً الان لارا فکر میکند که تلاش

او برای امتحانات بعدی بی فایده است چون اولین امتحانش را سیزده گرفته که عدد نحسی است». لارا گفت: «نه خیر خرافات الکی نیستند و همه مردم خرافات را قبول دارند». وقتی خانم معلم حرف لارا را شنید گفت: «امروز می توانیم درباره خرافات صحبت کنیم و بیشتر از آن بدانیم همان طور که یکی از دانش آموزان گفت خرافات حرف هایی هستند که بعضی از مردم به این حرف ها اعتقاد دارند». در این لحظه محدثه گفت: «خانم حالا که با خرافات آشنا شدیم، میشود چند تا خرافات را برایمان بگویید؟ خانم گفت: «البته خودم هم می خواستم همین را بگویم. مثلاً خرافاتی درباره انگشت شست بگویم؛ در کشور انگلیس شست یعنی والدین بخاطر همین هرکه والدین او فوت شود سر گور او می رود و انگشت شست خود را بین چهار انگشت دیگرش پنهان می کند انگار والدین خود را در آغوش گرفته و از او محافظت می کند». مینا گفت: «می شود امروز درباره خرافات تحقیق کنیم و با آن داستان بنویسیم». خانم معلم گفت: «بله عزیزم پیشنهاد خوبی است». لارا با خجالت گفت: «یعنی خرافات واقعی نیستند؟» خانم گفت: «نه عزیزم. البته بعضی از آنها دلیل های علمی دارند که خیلی خوب است آنها را بدانید».

بار کج به منزل نمی‌رسد



ویانا روح افزایی

مرد فقیر باید برای زن و بچه اش نانی برای خوردن در می آورد. ولی او پولی نداشت. رفت گدایی. خودش را به مریضی زد تا به او پول دهند. ولی باز هم پول زیادی درنیآورد. مرد مجبور شد دست به قاقچا بزند. مرد بعد دوماه پولدار شد و یک خانه بسیار زیبا و بزرگی گرفت. همسر مرد فقیر که الان پولدار شد، نمی دانست منبع این پول از کجاست و ملام از مرد می پرسید که: «این پولها را از کجا می آوری؟ منبع این پول از کجاست؟» مرد به همسرش می گفت: «تو فقط پول خرج کن و کاری به این کارها نداشته باش!» همسر مرد گفت: «من باید بدونم که وقتی دارم از چیزی استفاده میکنم و با استفاده از اون خوشحالم حلال است و یا حرام!» مرد با عصبانیت گفت: «حروم، حروم چون پولی نداشتم که برای شما حتی یک نون برای خوردن بیارم مجبور شدم دست به قاقچا بزنم». همسر مرد گفت: «وقتی کاری میکنی باید تقاص اون کارو هم پس بدی تقاص کار تو هم اینه که من و بچه از اینجا میریم. تازه به این حرف پی بردم که میگم: بار کج به منزل نمی رسد». مرد گفت: «قبلاً حتی یک تیکه نون هم برای خوردن نداشتم تو زنفتی حالا الان روی سفره پر از غذای رنگارنگ داری میری؟!» همسر مرد فقیر با عصبانیت گفت: «من قبلاً اون یک تیکه نون خشک رو با خیال راحت و با عشق میخوردم ولی الان حتی یک تیکه از این غذاها از گلوم پایین نمیره!»



وقتی مادرش او را با این حال دید، نگران شد و به دنبال خرگوش کوچولو رفت. وارد اتاق خرگوش کوچولو شد و دید خرگوش کوچولو کیفش را برداشته و وسایل شخصی خودش را جمع می کند. مادر پرسید: «چه شده پسر»؟!

خرگوش کوچولو: «من می خوام فردا به جنگل سیب برم». مادر: «شما که به پسرخاله ات قول داده ای به تولدش بروی»؟!

خرگوش کوچولو: «امان جونم من دوست دارم به جنگل سیب بروم. اما پسرخاله برای تولدم آمده بود. حالا چیکار کنم»؟!

مادر: «پس باید به اردوی نروی تاپسرخاله ات از دیدنت خوشحال بشه»!

خرگوش کوچولو خیلی ناراحت بود. روز تولد خرگوش کوچولو با مادر بزرگش به تولد رفتند. وسط مهمانی، مادر بزرگ از خرگوش کوچولو فاصله گرفت و به دیدن یکی از مهمانها رفت و با آقاسنجاب به طرف خرگوش کوچولو آمدند و به سمت خرگوش کوچولو سبب تعارف کردند و وقتی خرگوش کوچولو سبب را دید؛ گفت: «این چیه»؟! مادر بزرگ: «ایشون آقاسنجاب هست از جنگل سیب آمده و برای ما هم سبب آورده: خرگوش کوچولو از دیدن این همه سبب خوشحال شد و روز تولد پسرخاله اش به آرزوش رسید.

روای تو



سیده زهرا علوی نژاد

من هنوز هم رویای تو را در سر می پرورانم کاش تو بودی آن نیمه ی پنهانم عاشق تو بودن بود گناه من؟ تمام وجودم، فدا می شود برای این تن چه کنم هر جور باشم نیست برای کافی راجع به تو زیادی اشتباه است رویابافی بودی برای من سببی که گناهش بود چندان مگر نمی بینی ذکر نایی ندارد این جان می دانم در هر صورت تو بی خیالی باید فراموشش کنم و کاش قلبم شود حالی برای من نیستی اجبار نیست مرا بخواهی اما کاش می دانستی درون من تو تنها صدایی



فائزه رسولی

بعد وصل تو دل من بخدا سنگ نشد من تو را دیدم و اما دل من تنگ نشد از دلم رفت که باز شعر یک رنگ نشد عشق من در اندیشه ی تو لنگ نشد رفتی و عشق بدون تو دگر ننگ نشد رفتم اما فعل من با رفتنی ها هم آهنگ نشد عاشقی بودم ولی در عشق تو بی وفا با هیچکس جنگ نشد

حضور کلاس نویسندگی به مدتی میرفتم اما باز هم استرس داشتم. زمان همینجوری میگذشت و کم کم کلاس درحال شروع شدن با معرفی خودم معلم سلامی گرمی بهم کرد و معلم درحال درس دادن به موضوعی داد که من تاحالا به فکرش نرسیده بود فکر میکردم که نباید متن های کودکانه بنویسم. اما نوشتن موضوع معلمم گریه ای بود که وقتی ما نیستیم به کلاس می آید. سریع چراغی در ذهنم روشن شد و با کمی شاخ و برگ دادن، یک داستان بسیار زیبا نوشتم. داستانم را دوست داشتم. تازه کتابش را هم درست کردم. کلاس نویسندگی بهم یاد که نباید از نوشتن چیزی خجالت بکشم مهم نیست داستان کودکانه یا هر چیزی باشد مهم این هست یک اثر خلق کنی و به هنرت افتخار کنی. چیزهای زیادی از کلاس یاد گرفتم. همین یاد دادن سر نخ ها باعث شد که متن هایی زیبا بنویسم حس و حال خوبی کنار معلم عزیزم و بچه ها دارم من دوماه هست که به کلاس آمدم، اما کاش از قبل هم شرکت میکردم تا بتوانم چیزهای زیادی یاد بگیرم و متن های عالی بنویسم.

خرگوش کوچولوی که آرزو داشت سیب بخورد



بهارجام خورشید

در یک روز پاییزی، خرگوش کوچولوی که آرزو داشت مزه سیب را تجربه کند؛ از مادر بزرگش پرسید: «مادر بزرگ جون! سیب چه رنگیه، سیب چه مزه ای داره»؟! مادر بزرگ جواب داد: «سیب رنگهای مختلف دارد، مثلا قرمز، زرد، سبز» و برای بدن هم خیلی مفید است. خرگوش کوچولو علاقه داشت چیزهای جدید را کشف کند و این بار دوست داشت سیب کشف کند، با همین که فکر به مدرسه رفت. خانم معلم به دانش آموزان گفت: «بچه ها قرار است شما را به اردوی جنگل سیب ببریم». ناگهان صدای خرگوش کوچولو از همه بلندتر شد و گفت: «هورا، هورا، آخ جون من می خوام برم سیب را کشف کنم. و همه بچه ها از این حرف خرگوش کوچولو خندیدند. خانم معلم گفت: «شما باید رضایت نامه خانواده را هم بیارید». خرگوش کوچولو آنقدر خوشحال بود که وقتی به خانه رسید در را باز کرد و دوان دوان به اتاقش رفت.



با دستمال من تمیز میکرد و برنیس هم وسط کلاس کفشش را در می آورد و بوی بد جورابش ما را خفه میکرد. برای همین من اینها رو به معلم میگفتم و معلم هم دعواشون میکرد. در مدرسه مرا «لوتیس چغلی نکن» صدا می زدند. اما حالا فهمیدم که چغلی یعنی چه و از این کلمه بدم می آید.

تمرین کلاسی با حرف «د»



نازنین زهرا چیت بند

دیروز با داداشم دارا و دختر دایی دنیا و دختر دایی دینا رفتیم دریا. تو راه برگشت بودیم که دارا گفت: «سفر بعدی بریم دانمارک». دنیا گفت: «نه بریم دومینیکا». دینا گفت: « به نظر من بریم امارات متحد عربی»! من به همشون نگاه کردم و گفتم. شما تا دریا با خوااهش و التماس اومدین خارج رفتنون دیگه چیه؟! شما دعا کنین بذارن تا اردبیل و مازندران که تو کشور خودمون هست بریم. دارا گفت: «اونم هست. ولی ایسلند و ایرلند هم خیلی خونند. همه زدیمن زیر خنده، دینا گفت: «بریم دهلی، هندوستان». گفتم: «اگه کمی بیشتر تو آفتاب میموندیم شبیه اونها هم میشدیم». که همه خندیدند. اما خنده دار نبود.

حس و حال کلاس نویسندگی



سحر حسن زاده نوری

راستش کمی استرس هم داشتم برای شرکت در کلاس نویسندگی آنلاین البته من سه سال پیش

صلح را به قاب بیاور!



سیده فاطیما عقیلی

برای مسابقه عکاسی مدرسه باید عکسی می گرفتیم که بیان کننده صلح باشد. پدر و مادرم عکاسان ماهری هستند و خودم هم در عکاسی چیره دست هستم! مسابقات که به ما جایزه ای نمی دهند، حداقل برای پیشرفت خود و درک موضوع، با وجود هوای بارانی، به سوی جنگل راه افتادم. اکثر عکس هایی که دوستانم ارسال می کردند؛ یا پرچم سفید بود یا درخت زیتون و یا کبوتری که در دهانش شاخه ای از درخت زیتون داشت. آخر هرچه با خود فکر کردم، متوجه نشدم که چرا ما انسان ها فکر می کنیم صلح یعنی تمام امورات خوب باشد، زندگی که همواره آرمان گرایانه عمل نمی کند! خلاصه، دنبال صلح گشتم. دیگر خسته شده بودم. مگر می شد این جنگل چند هکتاری یا چندین هکتاری، نمایی از صلح آشکار نباشد؟! ناگهان صدای موزون و دلنشین آواز خواندن پرنده ای شروع شد. آرام از روی سنگی که بر آن نشسته بودم، برخاستم و به سمت صدا رفتم. دوربین را برای عکاسی از پرنده آماده کرده بودم اما با صحنه ای هیجان انگیز تر مواجه شدم. رعد و برق می زد؛ برگ تمام درختان ریخته بود و درختچه از درون سنگ آهکی روییده و پرنده بر آن لانه کرده است! دوربین را آماده کردم از تمام زوایا از منظره عکس گرفتم. بله! صلح واقعی یعنی این. صلح واقعی یعنی در میان تمام تاریکی ها روزنه امیدی وجود داشته باشد.

چغلی نکن بر اساس کتاب جولیا کوک



نازنین زهرا خانقلی

من لوتیس هستم و هشت سالمه. کمی اضافه وزن دارم. دیروز تو مدرسه آبرام کتابچه های کتابخانه رو خراب کرد و رفت و من هم این قضیه را برای معلم تعریف کردم و معلم آبرام رو دعوا کرد. آبرام هم از دستم ناراحت شد و دیگه باهام حرف نزد. من این قضیه را با مادرم در میان گذاشتم و مادرم گفت: «کار درستی کردی ولی دیگه سعی کن که چغلی نکنی»! گفتم: «باشه»! فردا به دوستم لیانا گفتم: «چغلی یعنی چه»؟! لیانا کلاس ششم است، پرسید: «کی بهت گفت»؟! «+مادرم». «یعنی کمتر غذا بخور»! «+حالا فهمیدم مرسی لیانا» «خواهش میکنم». من هم تصمیم گرفتم تا به حرف مادرم گوش کنم و کمتر غذا بخورم. امروز امتحان ریاضی داشتیم و آرجی از روی برگه سارا تقلب کرد. من این رو بعد از امتحان به معلم گفتم و معلم هم من رو تشویق کرد و آرجی رو دعوا کرد. هر روز می گذشت و دردسرهای من بیشتر میشد چون هر روز روجی و برنیس و سام و نرما کارهای اشتباهی میکردند. مثلا روجی فقط دستور میداد سام هم عینکش را

بلندترین برج آجری جهان چگونه حفظ می شود؟

ریسک فرونشست و تودین راهکارهای تاب آوری آغاز کرده است. عمرانی تاکید کرد: نتایج این پژوهش می تواند الگویی برای حفاظت از دیگر آثار تاریخی در معرض خطر باشد. وی گفت: بر اساس مطالعات آسیب شناسی پیشین، بخش هایی از گنبد قابوس نیازمند مرمت است که با استفاده از اعتبار تخصیص یافته، طرح مرمت مصوب در بخش های مشخص شده اجرا می شود. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان بیان کرد: در این فرآیند، از مصالح و روش هایی استفاده خواهد شد که با اصالت بنا هماهنگ بوده و مداخلات مخرب به حداقل برسد. عمرانی ادامه داد: رویکرد مدرن میراث فرهنگی گلستان در حفاظت از گنبد قابوس، بر پایه داده های علمی و همکاری های میان رشته ای استوار است و مشارکت دانشگاه های معتبر داخلی و خارجی، بهره گیری از فناوری های پیشرفته و تمرکز بر حفاظت پایدار، این پروژه را به نمونه ای برجسته در مدیریت میراث فرهنگی تبدیل کرده است. تخصیص ۶۰ میلیارد ریال اعتبار ملی، نقطه عطفی در مسیر حفاظت از گنبد قابوس است که تعهد ایران به حفظ میراث جهانی را نشان می دهد. این سرمایه گذاری، با تمرکز بر مطالعات علمی، مرمت اصولی و مقابله با تهدیدات طبیعی، تضمین کننده بقای این شاهکار معماری برای نسل های آینده خواهد بود. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان گفت: حفاظت از گنبد قابوس، وظیفه ای است که فراتر از مرزها، به تمام دوستداران فرهنگ و تاریخ جهان تعلق دارد. این برج، نه فقط یادمانی از گذشته، بلکه پلی به سوی آینده ای است که در آن میراث بشری همچنان گرامی داشته می شود.



گردشگری و صنایع دستی گلستان افزود: فرونشست زمین، چالشی رو به رشد برای بناهای تاریخی، تهدیدی جدی برای گنبد قابوس محسوب می شود که در این راستا، پایگاه میراث جهانی گنبد قابوس، با همکاری دانشگاه گلستان و دانشگاه لوکزامبورگ، پروژه ای تخصصی برای تحلیل

دانشگاه شهید بهشتی برای بررسی رفتار سازه ای گنبد قابوس است. این مطالعات، که پایداری بنا و آسیب های احتمالی آن را ارزیابی می کند، پایه ای برای تصمیم گیری های مرمتی آینده فراهم می آورد و سلامت فنی این برج تاریخی را تضمین می کند. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی،

گنبد قابوس به عنوان بلندترین برج آجری جهان و شاهکاری از معماری قرن چهارم هجری نه تنها نمادی از نبوغ معماری ایرانی، بلکه روایت گر داستان هایی از استقامت، هنر و هویت فرهنگی یک ملت است که تخصیص ۶۰ میلیارد ریال اعتبار ملی برای حفاظت علمی و پایدار این اثر بی همتا، گامی بزرگ در راستای پاسداری از این میراث به شمار می رود. به گزارش ایرنا، گنبد قابوس، با ساختار آجری بی نظیر و ارتفاع ۷۲ متری، یکی از برجسته ترین نمادهای معماری جهان است که از قرن چهارم هجری تاکنون پابرجا مانده و برای ایستادگی مقابل تهدیدات طبیعی و انسانی به مراقبت های علمی و پایش مداوم نیاز دارد. این اثر تاریخی با تزیینات آجری خیره کننده، معماری منحصر به فرد و ارتفاع باشکوهش، هر ساله گردشگران داخلی و خارجی را مجذوب خود می کند. پارک ها و فضاهای سبز اطراف بنا، فضایی دل انگیز برای لذت بردن از طبیعت و تاریخ فراهم می کنند و بازدید از گنبد قابوس، تجربه ای است که هر فرد را به سفری در عمق تمدن قرن چهارم هجری می برد. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان از تخصیص ۶۰ میلیارد ریال از منابع ملی سال ۱۴۰۳ برای اجرای طرح های حفاظتی، پژوهشی و مرمتی در پایگاه میراث جهانی گنبد قابوس خبر داد و گفت: این اعتبار، بخشی از ۴۰۰ میلیارد ریال بودجه ملی حوزه میراث فرهنگی گلستان است که برای این طرح به تصویب رسیده است. حمید عمرانی رکاندنی سه محور کلیدی حفاظت از گنبد قابوس را بر شمرده و گفت: این محورها شامل مطالعات سلامت سازه ای، مقابله با فرونشست و مرمت علمی و اصولی است. وی ادامه داد: نخستین محور این طرح، ادامه همکاری با

امنیت غذایی اولویت نخست جهاد کشاورزی

در گرو تأمین غذا است و ما نیز در جهاد کشاورزی همه تلاش خود را در این مسیر به کار بسته ایم. وی با اشاره به نقش این معاونت در حمایت از تولید، افزود: معاونت بهبود تولیدات گیاهی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین بذر، نهاده ها، مکانیزاسیون، سوخت و مشاوره های فنی تا زمان تحویل محصول به مراکز خرید، مسئولیت دارد و تلاش می کند زیرساخت های لازم را برای کشاورزی پایدار فراهم سازد. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به وضعیت مناسب مکانیزاسیون کشاورزی در گلستان گفت: ناوگان مکانیزاسیون استان از نظر کیفیت عملکرد در وضعیت مطلوبی قرار دارد. استفاده از ماشین آلات و کارنده های نوین و حفاظتی، نقش مهمی در افزایش بهره وری و بهبود عملکرد اراضی کشاورزی ایفا کرده است.



معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی گلستان بر نقش مهم مکانیزاسیون و تأمین نهاده های باکیفیت در تحقق امنیت غذایی تأکید کرد و گفت: امنیت غذایی اولویت نخست جهاد کشاورزی استان است. به گزارش روابط عمومی، دوره آموزشی مباحث نوین تکنولوژی و فراوری بذر با حضور ۹۰ نفر از کارشناسان مکانیزاسیون شهرستان ها، مدیریت زراعت، مرکز تحقیقات و شرکت های تولیدکننده بذر گندم و جو عصر دوشنبه در گلستان برگزار شد. در این نشست، علی اکبر مهقانی با تقدیر از برنامه ریزی شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان در برگزاری این دوره، اظهار کرد: امنیت غذایی رسالت اصلی وزارت جهاد کشاورزی است و این موضوع یکی از ارکان مهم امنیت ملی کشور به شمار می رود. امروز در سطح جهان، امنیت و اقتدار کشورها

نمایشگاه بین المللی نماد وحدت اقتصادی

رویداد با سالروز میلاد مختموقلی فراغی، شاعر نامدار ترکمن، این مناسبت را نماد پیوندهای فرهنگی و ادبی میان مردم گلستان و ترکمنستان دانست. وی در ادامه از اهمیت کریدور شمال-جنوب گفت و تأکید کرد: پروژه راه آهن چین، قزاقستان، ترکمنستان و ایران در دولت پیشین آغاز شد و امیدواریم به جنوب ایران متصل شود تا ظرفیت ترانزیتی کشور بیش از پیش فعال گردد.

استاندار گلستان افزود: نمایشگاه ها فرصت مهمی برای معرفی ظرفیت ها و توانمندی های تولیدکنندگان، تجار و سرمایه گذاران هستند تا محصولات خود را نه تنها به همسایگان بلکه به بازار جهانی عرضه کنند. گلستان، به عنوان نگارستان ایران و سرزمین اقوام و مذاهب، تولیدات متنوع خود را به اقصی نقاط کشور و جهان صادر می کند. طهماسبی همچنین با اشاره به تقارن این

استاندار گلستان برگزاری نمایشگاه صادراتی ترکمنستان در این استان را فرصتی ارزشمند برای تقویت همکاری های اقتصادی برشمرد. به گزارش روابط عمومی، علی اصغر طهماسبی در مراسم افتتاح نمایشگاه اختصاصی ترکمنستان در گرگان اظهار کرد: این نمایشگاه، رخدادی مهم و نقطه عطفی در تعاملات اقتصادی ما با کشورهای همسایه است.